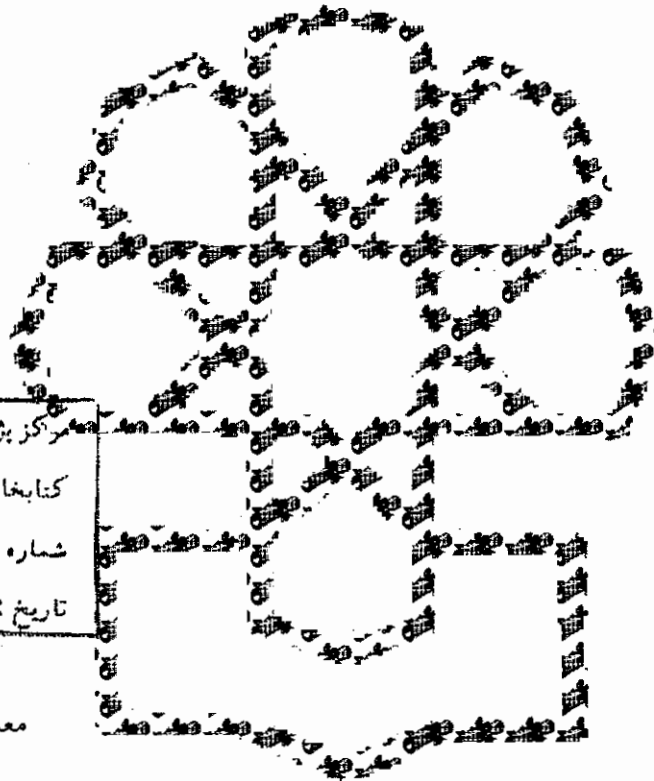




# دربارهٔ بندهای «الف» و «د» تبصرهٔ

## ۱۳ لایحه بودجه

از سری گزارشهای بودجه ۷۵ - شمارهٔ (۲۸)



مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع رسانی فارابی  
شماره: ۷۴.۷۳  
تاریخ: ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۴

معاونت پژوهشی  
دی ماه ۱۳۷۴

کار: گروه بودجه

کد گزارش: ۱۶۰۱۱۰۵

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گروه ویژه کارشناسی بودجه ۷۵ را با وسعتی بیشتر نسبت به سال گذشته فعال نموده است. گزارش‌های مفصل این گروه پس از نهایی شدن، تلخیص گردیده و در اختیار کمیسیونها و نمایندگان محترم قرار می‌گیرد. ضمناً کارشناسان گروه مذکور در جلسات کمیسیون تلفیق در هر مورد (تبصره یا کلیات بودجه) توضیحات لازم را حسب تقاضا، عرضه می‌نمایند. امید است نتایج مذکور بتواند در راستای تقویت ساختار بودجه‌ای و ارتقای بهره‌وری از منابع مؤثر باشد. انشاءالله

## ۱- بند (الف) از تبصره ۱۳

بند (الف) از تبصره ۱۳، کلیه دستگاههای دولتی و شرکتهای دولتی را موظف نموده که در سال ۷۵ ماشین آلات، تجهیزات و وسایل نقلیه‌ای را که نامتناسب با نیازهای فعلی طرحها بوده یا به نحو نامطلوب از آنها استفاده می‌شود را به صورت مزایده به فروش رسانده و در مقابل اقدام به خرید تجهیزات و وسایل نقلیه‌نو نمایند. در این خصوص عطف توجه به نکات زیر توصیه می‌شود:

اول آنکه: این بند وظیفه سنگینی به عهده کلیه دستگاهها و شرکتهای دولتی برای تعیین تکلیف اموال منقولی که در اختیارشان قرار دارد، گذارده است این موضوع وظایف اصلی دستگاههای اجرایی را تحت الشعاع قرار خواهد داد که پیشنهاد می‌گردد بند مزبور از حالت الزام به اختیار تبدیل گردد، که تا بر این اساس تبصره مذکور از حالت الزام خارج شود و به سازمانهای دولتی اختیار داده شود.

دوم آنکه: در بند (الف) تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۷۴، اجرای این بند تحت ضوابط آیین نامه‌ای مصوب هیأت وزیران قرار گرفته بود که در لایحه بودجه سال ۷۵، تنظیم آیین نامه‌ای در خصوص نحوه فروش این گونه اموال دولتی پیش‌بینی نشده است. در صورتی که فروش این گونه اموال که غالباً ارزشمند بوده مستلزم نظارت هیأتی اقتصادی و فنی برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده یا سهل انگاری احتمالی در زمینه قیمت‌گذاری و یا تشخیص نامتناسب بودن تجهیزات و وسایل بوده که به نظر می‌رسد در آیین نامه اجرایی این تبصره فروش این گونه اموال همچون واگذاری سهام دولتی قانونمند شده و تحت نظارت قرار گیرد. لذا تشکیل هیأتی با عضویت نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی، دیوان محاسبات و سایر دستگاههای ذی‌نفع پیشنهاد می‌گردد.

سوم آنکه: بند (الف) از تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۷۴ و همچنین لایحه بودجه سال ۷۵ فروش آن دسته از وسایلی که «به نحو مطلوب از آنها استفاده نمی‌شود» را الزامی نموده است. در این مورد باید توجه نمود که چنانچه از یک وسیله استفاده مطلوب نمی‌گردد باید ایراد را در عامل و استفاده کننده از آن وسیله جستجو نمود و نه وسیله، که با فروش آن مشکل مرتفع گردد در این صورت مناسبتر است که مقرر شود «امکان استفاده مطلوب از آنها وجود ندارد».

## ۲- بند (د) از تبصره ۱۳

۲- مطابق بند (د) از تبصره ۱۳ لایحه بودجه سال ۱۳۷۵ «دستگاههای اجرایی می‌توانند با مجوز هیأت وزیران، حداکثر تا تعداد ۱۰۰۰ دستگاه اتومبیل سواری ساخت داخل از محل اعتبارات مصوب خود خریداری نمایند...». در این خصوص عطف توجه به نکات زیر توصیه می‌شود:

به نظر می‌رسد این بند با قوانین برنامه اول و دوم توسعه و برخی از مصوباتی که به استناد آنها وضع گردیده مغایرات داشته باشد. به عنوان مثال قانون برنامه دوم توسعه در «تبصره ۴۱» و در «بند ۴-۱» از اهداف کلان بر واگذاری امور خدماتی و پشتیبانی دستگاههای دولتی به بخش تعاونی و خصوصی تأکید دارد و همچنین مصوبه شماره ۵۴۳۵ ر.دش مورخ ۱۳۷۳/۴/۸ شورای عالی اداری مقرر می‌دارد: «کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات و شرکتهای دولتی، شرکتهای سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است حداکثر ظرف مدت پنج سال نسبت به واگذاری امور عمومی و خدماتی (پشتیبانی) خود به شرح مندرج در فهرست پیوست این مصوبه اقدام نمایند...»

در فهرست پیوست مصوبه مزبور امور نقلیه نیز جزو ۴ گروه فعالیت‌های پشتیبانی تعیین گردیده است که بدین ترتیب مغایرت آشکار خرید یک هزار دستگاه اتومبیل سواری جدید توسط دستگاه‌های اجرایی که بالطبع مقدمه‌ای برای توسعه واحدهای نقلیه آنها خواهد بود، با موارد ذکر شده معین می‌گردد.

در اینجا لازم می‌داند سابقه موضوع مورد نظر در دو سال اخیر را منعکس نماید:

۱- در بند الف تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ آمده که «به وزار تخانه‌ها، سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شرکتهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است اجازه داده می‌شود که در سال ۱۳۷۳ در جهت تقلیل هزینه‌های خدماتی و پشتیبانی، تمام یا تعدادی از خودروهای سواری، وانت، مینی‌بوس، اتوبوس و کامیون متعلق به خود را به صورت اجاره و یا فروش بر اساس مقررات آیین نامه معاملات دولتی به کارکنان و یا اشخاص حقیقی و یا حقوقی واگذار نمایند و نیازمندیهای خود را به وسایل نقلیه فوق‌الذکر از طریق قرارداد با اشخاص حقیقی و یا حقوقی و یا پرداخت حق ایاب و ذهاب تأمین نمایند...

دولت موظف است اجرای این تبصره را به صورتی تنظیم نماید که حداقل بیست درصد (۲۰٪) از

خودروهای موضوع این تبصره مربوط به دولت در سال ۱۳۷۳ به فروش برسد.»

۲- به استناد مجوزی که مطابق بند فوق به دستگاه‌های اجرایی داده شد این دستگاهها در سال ۱۳۷۳ به فروش تعداد قابل توجهی از خودروهای خود اقدام نمودند که متأسفانه این عمل تا حد قابل توجهی بدون رعایت منافع عمومی و با استفاده از شیوه‌هایی نظیر ترک تشریفات مزایده انجام گرفت، تا آنجا که با توجه به سؤالات مطروحه از سوی برخی از نمایندگان، مجلس محترم اقدام به تحقیق در خصوص نحوه اجرای این بند از تبصره ۱۳ بودجه ۷۳ نموده است. از طرف دیگر علی‌رغم اینکه در بند الف تبصره ۱۳ قانون بودجه ۷۳ اجازه فروش تمام یا تعدادی از خودروها، صادر شده بود و قید عبارت حداقل بیست درصد از خودروها در سال ۱۳۷۳ در ذیل این بند، دلالت بر ادامه جریان واگذاری خودروها در سالهای بعدی را داشت، به دلیل عملکرد نامناسب واگذاری خودروها در سال ۱۳۷۳، این بند از تبصره ۱۳ در قانون بودجه سال ۱۳۷۴ حذف گردید.

۳- همچنین در قوانین بودجه سنوات ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ بر ممنوعیت خرید هر نوع اتومبیل سواری (به استثنای چند مورد مشخص نظیر آمبولانس و یا تعداد معدودی لندرو و جیب برای خانه‌های بهداشتی...) تحت هر شرایطی توسط دستگاه‌های اجرایی تأکید شده است.

با توضیحات فوق به نظر می‌رسد خرید ۱۰۰۰ دستگاه اتومبیل سواری توسط دستگاه‌های اجرایی فاقد توجیه لازم باشد و در حالی که حتی یکسال از واگذاری خودروهای دولتی نمی‌گذرد معلوم نیست که بر اساس چه منطقی پیشنهاد خرید ۱۰۰۰ دستگاه خودرو سواری (ولو ساخت داخل) ارائه شده است. ضمناً این پرسش نیز مطرح است که آیا استدلالی برای تعیین عدد ۱۰۰۰ دستگاه وجود دارد؟ و آیا در صورت تصویب این بند از تبصره ۱۳، زمینه خرید انبوه‌تر خودروها توسط دستگاه‌های دولتی در سالهای بعدی فراهم نمی‌گردد؟

با توجه به مراتب فوق‌الذکر چنین به نظر می‌رسد که حذف این بند از تبصره ۱۳ توجیه پذیر باشد. در خاتمه لازم به ذکر است که در بند «د» تبصره ۱۳ ابهام عبارتی وجود دارد. در واقع واضح نیست که آیا منظور، مجموع اتومبیل‌های قابل خرید توسط کلیه دستگاه‌های اجرایی تا یک هزار دستگاه می‌باشد یا خیر؟ که اگر این چنین باشد (که به نظر همین طور می‌رسد) بایستی تصریح شود «...جمعاً تا یک هزار دستگاه...».